روزگار یک داوطلب

نقابِ ریخته

شارمین میمندی‌نژاد*

● کهربای چشـمانش، حتی با رد سـیاه سیلی پدر بر گونه‌اش، همچنان پر از شـور زندگی می‌درخشید. دُرسـای شش‌سـاله و عزیز مادر، مادر بر رفِ پاگردِ در اتاق مشـرف به حیاط می‌نشسـت و با نگاه نگرانش، بـازی دخترش را تعقیـب می‌کرد. کوه غم بر شـانه مادر از بی‌اعتباری و لَشـی پدر معتاد که دسـت بزنِ سختی نیز داشت. سال ۱۳۹۱. شب‌هنگام در خانه هنر جمعیت امام علی (ع) منتظر نشسته‌ام. یکی از اعضا، قرار ملاقاتی گذاشـته اسـت. در فرصـت تنهایی، در گالری نقاشی کودکان جمعیت می‌گردم. رنگ‌ها همه سیاه و زرد و سرخ است. یکی خورشید را سیاه کشیده، مادر را سـرخ و پـدر را زرد. پیش خـود فکر می‌کنم چگونه می‌توانم تسکین رنج این فرزندانم باشم. زنگ سکوت‌شکنِ درِ خانه. به اشاره‌ای بر افاف در می‌جهد و باز می‌شود. در تاریکی حیاط می‌بینم یکی از اعضای جمعیت، دست‌گیرِ زنی است که چادر بر رو کشیده‌اش را بر سر فرزندش نیز حجاب کرده است. کیستند اینان که خود را این‌چنیـن در چادر پیچیده‌انـد؟ در گلوی راهرو که فرو می‌شـوند، صدای دُرسای شش‌ساله در حنجره خانه می‌پیچد. سـراپا شوق می‌شوم. پیش‌تر، برای دیدن درسـا هـر بار که به خانـه‌اش می‌رفتیم، مجبور بودیم پیش پای پدر خودخواهش، مثل شاگرد محتاج نمره، به تلمذِ نشئه‌گویی‌های این معلم اعتیاد بنشـینیم. در پاسـوختگی رفت‌وآمدهای بی‌شمار به کلانتـری محله و چندین مرتبه مراجعـه به دادگاه و تنظیم شکایاتی بی‌فرجام علیه این مرد افسار و اعصاب گسیخته، هر بار جمعیت ناگزیر بود آب و نان آن خانه شـود و از شـیر مرغ تا جان آدمیزاد به این مرد معتاد باج دهد تا مگـر بگذارد و بگذرد از درسـا و مادرش و بـرای آنـان در آن دود و دم و درد، اندکی حق قائل شـود. به‌تازگی پدر خانه با شوقی غریب که با بدبینی پدیدآمده از اعتیادش به شیشـه هماهنگی نداشـت، پوتین یا کالش سـبزرنگِ لجنی برای خود خریده بود. صدای درسـا من را به پیشـواز می‌آورد. درسا بود؛ اما دیگر نبود. چند باری شنیده بودم از تهدیدهای بدبینانه مرد شیشـه زده. با کناررفتن چادر مادر، تمام اندامم از ترس کرخت و بی‌حس شد. اسید همه هندسه عاطفه صورت مادر را سـوزانده بود. دیگـر نه رِدِ تربیت اخم مادرانه، نه برق شوق چشمانش از دیدنِ نوبه‌نوشدن فرزند، نه تلخنـدِ لب بر قضا و قدر زندگی، نه گونه‌ای که اشـک بر آن بریزد و نه چشمی که اشک بر گونه‌ای ببارد. مادر فقط صدای نفس‌ها و هق‌هقم را می‌شنید و کورمـالِ تاریکی‌هـای روزگار، به زحمـتِ تردید بر صندلی نشسـت. شـباهنگام در خواب، پدر ناگهان بر موازی عشـق مادر و فرزند، با ظرفی پر از اسید، عمود می‌شـود، محکم، پوتین لاستیکی سبز لجنی‌اش را بر گلوی مادر و فرزند می‌گذارد و پیت اسـید را بر سـر و رویشـان خالی می‌کند. غلتِ ماهـی‌وارِ مادر بر خاک نفس‌گیری و تلاشـش برای درآغوش‌گرفتن فرزند در مقابل سوختن، در نیمه راسـتِ بدن مادر که به طور کامل سـوخته بود، مشـخص می‌آمد. انگار کودکش را به قلب فشـرده و در آغوش، از آن اسـیدِ بدبینی و تلخی اعتیاد، حفاظت کرده بود. درسـا هم بی‌صورت شـده بود؛ اما نه به عمقِ بی‌صورتـی مادر. قلم‌موی بی‌عدالتی به سـرپنجه جنون، رنگِ خاکستر اعتیاد و قطره‌قطره خون جگر مادران و فرزندان، زردابه اسـید توهم و بدبینی را در هم ماسیده و بر بوم روح سرزمینم به نقاشی آمده است. صورت مادرم و فرزند سرزمینم، ریخته اسـت. در صورت‌سـوختگی مـادر و فرزندان سـرزمینمان، نقاب نقش زندگی ما نیز فروریخته. ای نقاب‌داران! نقاب‌ریخته را چه ترس از بی‌نقابی؟!

*مؤسس جمعیت امام علی

به بهانه سالروز تولد پادشاه پرحاشیه:

ناصرالدین‌شاه؛ محبوب یا منفور؟

مجید عرفانیان . کارشناس گردشگری و بلاگر سفر

۲۵ تیر امسـال، صدوهشتادوششـمین سـال تولد ناصرالدین‌شاه قاجار اسـت. نمی‌دانم چه سِری است وقتی یاد سـلطان صاحبقران تاریخ ایران می‌افتم، احساسی مُرکب از دل‌سوزی همراه با ترحم و اندکی علاقه درونم نقش می‌بندد. با اینکه خوب می‌دانم این قبله عالم، چه رفتارهای نادرست و چه تصمیمات نابخردانه‌ای داشـته، اما احساس می‌کنم که تاریخ در حق او اجحاف کرده و آن‌گونه که باید، به بُعد مثبت و کارهای مهم و برجسـته او، نپرداخته اسـت. شاید نوع ارتباط او با درباریان و زیردستانش باعث شده که آنها پس از مرگش در وصف او به نیکی‌هایش نپردازند یا شاید توصیفات منفی که در دوران پس از قاجار درباره او و سـایر پادشاهان قاجار بیان شد، باعث شـده که نام ناصرالدین‌شاه بیشـتر، ما را یاد یک انسان خوش‌گذرانِ بی‌کفایـت بیندازد تا یاد انسـانی بـا روحیاتی لطیف و دسـتانی هنرمند و خدماتی گاه برجسته به کشور!

ناصرالدین‌شاه که بود؟

نام ناصرالدین‌شـاه که به میان می‌آید، شـاید بسـیاری از مـا یاد وقایع و خاطراتـی ناخوشـایند می‌افتیـم؛ بـرای نمونه، قتـل امیرکبیـر، انعقاد معاهده‌هایی برخلاف مصالح ملی، داشتن ۸۵ همسر و زن صیغه‌ای، انجام سـفرهای پرهزینه به اروپـا، ریخت‌وپاش‌های فراوان داخلـی، دلدادگی و عاشق‌پیشـگی و دورشدن از اداره کشور، قدرت‌دادن به افراد بی‌کفایت نظیر ملیجک، ازدسـت‌دادن بخش‌هایی از ایران، خروج برخی از آثار ارزشـمند تاریخی از کشور و... برخی از مواردی است که از او در ذهن ما به جای مانده اسـت. اما بیایید برای چند لحظه همه آنچه را از ناصرالدین‌شـاه شنیده‌ایم و در خاطر سـپرده‌ایم، کنار بگذاریم و این‌بار برخی از نکات مثبت او را مرور کنیم. چقدر باورپذیر اسـت اگر این شاه قجری را با این القاب توصیف کنیم؛ مسافر، عکاس، شاعر، داستان‌سرا، سـفرنامه‌نویس، نقاش، خطاط و... . این مطلب تلاش دارد تا فارغ از هر نتیجه‌گیری یا قضاوتی، بُعد مثبت شخصیت ناصرالدین‌شـاه را مرور کند و برخی از خدماتـی که او به ایران ارائه کرده یا ویژگی‌های مثبتی را که به‌عنوان یک پادشاه داشته است به ما بشناساند.

پادشاهِ اولین‌ها

ناصرالدین‌شـاه در دوران پادشـاهی‌اش کارهایی را انجـام داد که برای اولین‌بار در ایران انجام می‌شـد. بسیاری از این موارد، اقدامات مهمی بودند کـه در بهبود کیفیت زندگی یا پیشـرفت کشـور تأثیر مثبت داشـتند. البته واقعیت این اسـت که بسـیاری از این اقدامات، حاصل سـفر او به فرنگ و بازدیـد از امکاناتی بود که در آنجا در اختیار حاکمان و مردم قرار داشـت و پس از بازگشت به ایران تلاش کرد تا برخی از این امکانات را به ایران بیاورد.

در بخش اول، به مرور خدماتی می‌پردازیم که برای اولین‌بار از سـوی او در ایران اتفاق افتاد. به عبارت دیگر اینها بخشـی از «اولین‌ها»ی شاهِ شهید در ایران است.

● **اولین پادشاه سـفرکرده ایران به اروپا:** در ۳۰ فروردین ۱۲۵۲ خورشیدی (۱۸۷۳/۰۴/۱۹) ناصرالدین‌شاه به‌عنوان نخسـتین پادشاه ایران به سرزمین اروپا سـفر کرد و در مسـیر سفرش از کشـورهای روسـیه، آلمان، بلژیک، انگلستان، فرانسه، سوئیس، ایتالیا، اتریش و عثمانی بازدید کرد. او همچنین در سال‌های ۱۸۷۸ و ۱۸۸۹ میلادی دو بار دیگر به اروپا سفر کرد.

● **ساخت اولین مدرسـه در ایران:** به لطف درایـت و هدایت امیرکبیر، در ششـم دی ماه ۱۲۳۰ خورشـیدی نخستین مدرسـه ایران به وسیله ناصرالدین‌شاه تأسیس شـد. در واقع دارالفنون نخستین دانشگاه تاریخ ایران اسـت که با دراختیارداشـتن معلمانی از اروپا و ایران، آموزش به سبک نوین را در ایران آغاز کرد.

● **تأسـیس شـورای دولت و ۶ وزارتخانه:** در شـهریور ۱۲۳۷ خورشیدی ناصرالدین‌شـاه با صـدور فرمانی، کارهـای دولت را به سـبک دولت‌های اروپایی به وزارتخانه‌ها سـپرد و شش وزارتخانه شامل داخله، امور خارجه، جنگ، مالیه، عدلیه و فوائد عامه را مسـئول رسیدگی به امور کرد. همچنین شـورایی با نام شورای دولت و شورایی با نام شورای مصلحت‌خانه تأسیس کرد که در موارد ضروری برای مشورت تشکیل شوند.

تأسیس عدلیه اعظم و دیوان مظالم

ناصرالدین‌شـاه به پیروی از نظام‌های اروپایی، برای سامان‌دادن امور قضائـی، وزارتخانه‌ای با نام عدلیه تأسـیس کرد که هـم امور قضائی را سروسـامان داد و هـم به‌این‌ترتیـب از دخالـت روحانیـون در امور دادرسـی کاست. سپس در سال ۱۲۴۰ شمسـی با تشکیل دیوان مظالم، مرجعی برای رسـیدگی به شـکایات علیه مأموران دولتی ایجاد کرد. از فعالیت‌های ناصرالدین‌شاه در امور قضائی با عنوان اصلاح سیستم قضا در ایران یاد می‌کنند.

● **ضرب نخسـتین سکه نوین:** با اینکه ضرب سکه در ایران قدمتی تاریخی دارد، اما ناصرالدین‌شـاه در سال ۱۲۴۴ شمسـی با خریداری یک ضرابخانه جدید از فرانسـه، نوع جدید و مدرنی از سـکه را برای نخسـتین‌بار در ایران ضرب کرد و در واقع ضرب سکه در ایران در زمان او متحول شد.

● **تأسیس نخستین بانک در ایران:** نخستین بانکی که در ایران تأسیس شد، در ۱۲۶۸ خورشـیدی و از طریق امتیازی که ناصرالدین‌شـاه به یک بانکدار انگلیسـی داد، انجام شـد. این بانکدار، پیش‌تر به ناصرالدین‌شـاه وام اعطا کرده بـود و مدتی بعد در قالب امتیازنامه رویتر، توانسـت امتیاز تأسـیس نخسـتین بانک را در ایران به دست آورد. این بانک با عنوان بانک شاهی در ایران فعالیت می‌کرد.

● **چاپ اولین اسکناس:** آغاز به کار بانک شاهی به‌عنوان نخستین بانک در ایران، باعث شـد حق انحصاری انتشار اسکناس در ایران به این بانک واگذار شود و نخستین اسکناس‌های ایران، تحت امتیاز بانک شاهی و از سوی بانک جدید شرق در انگلستان منتشر شد. این اسکناس در سال ۱۲۶۸ شمسی و با تصویر ناصرالدین‌شاه منتشر شد.

● **چاپ اولین تمبر:** نخسـتین تمبر در ایران در سـال ۱۲۴۷ شمسـی با نام تمبر باقری در زمان ناصرالدین‌شاه به چاپ رسید. نقش روی این تمبر نشان رسـمی دولت ایران، یعنی شـیر و خورشـید بوده و درج بهای آن به زبان فارسی بوده است. کار شروع طراحی این تمبر از سال ۱۲۴۴ شمسی آغاز و با مشورت و همراهی وزارت پست و تلگراف فرانسه انجام شد.

● **ارسـال نخسـتین تلگراف در ایران:** ناصرالدین‌شـاه اولین پیام تلگراف تاریخ ایران را در کاخ گلسـتان از مدرسـه دارالفنون دریافت کرد که سروده معروف سـعدی شیرین‌سخن بود. این رویداد مهم در سال ۱۲۳۴ شمسی و پس از سـفر وی به اروپا اتفاق افتاد که دسـتور داد خطی برای تلگراف در ایران راه‌اندازی شـود. عباسعلی‌خان، نخستین تلگرافچی ایران در نخستین تلگراف تاریخ ایران، این شعر را برای ناصرالدین‌شاه فرستاد: «منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکراندرش مزید نعمت...».

ایجاد اولین خیابان مدرن

وقتی که ناصرالدین‌شاه از نخستین سـفرش به فرنگ بازگشت، عزمش را جـزم کرد تا خیابانی شـبیه به شـانزه‌لیزه در تهران ایجـاد کند. با وجود مخالفت‌هـای برخی از اطرافیانـش، او تصمیم گرفت در میـان باغ بزرگ لاله‌زار، خیابانی مدرن با الهام از شانزه‌لیزه ایجاد کند و چنین کرد. این خیابان یکی از نمادهای نوگرایی و مدرنیسم در تهران بود.

تأسیس اولین موزه ملی

ناصرالدین‌شـاه پس از بازدید از کشورهای پیشـرفته اروپایی و بازدید از چند موزه معروف، تصمیم گرفت که فضایی را در کاخ گلستان برای نمایش آثار ارزشـمند خود که دارایی‌های ملی ایران محسوب می‌شدند، ایجاد کند. به همین منظور در بخش شـمال کاخ گلستان فضایی را با عنوان کاخ موزه ناصرالدین‌شاه ایجاد کرد که نخستین موزه ملی ایران محسوب می‌شود.

● **تأسـیس اولین باغ وحش:** نخسـتین مجمع‌الوحوش یا باغ‌وحش ایران به وسیله ناصرالدین‌شاه در تهران تأسیس شد. او که در سفرهایش به اروپا با باغ‌وحش آشـنا شـده بود، علاقه‌مند شـد تا مجموعه‌ای برای نگهداری حیوانات و نمایش عمومی آنها در تهران درست کند. او نخستین باغ‌وحش را در خیابان اکباتان فعلی تأسـیس می‌کند و سپس مجموعه وسیع‌تری را در دوشان‌تپه ایجاد می‌کند.

● **ساخت اولین عمارت پنج‌طبقه:** بلندترین عمارت ایران با ارتفاع ۳۵ متر در پنج طبقه، به دسـتور ناصرالدین‌شاه در بخشـی از کاخ گلستان ساخته شـد. این عمارت که نخستین سـاختمان ایران بود که در آن از فلز استفاده شـد، ساختمانی است که لقب کاخ شاهنشـاه را داشت و امروز آن را با نام شـمس‌العماره می‌شناسـیم. او با دیدن تصاویری از ساختمان‌های مرتفع فرنگـی و با هدف داشـتن عمارتی بلندتر از عالی‌قاپو در اصفهان، دسـتور سـاخت این کاخ را صادر کرد تا بتواند از بالاترین نقطه به مناظر اطراف مقر حکومتی‌اش نگاه کند.

● **اولین سـاعت ایران:** ناصرالدین‌شـاه دیده بود که در شهرهای اروپایی وجود برج‌های سـاعت یا سـاعت‌های بزرگ در بخش‌هایی از شهر مرسوم اسـت، اما در ایران نمونه‌ای از این سـاعت‌ها وجود نداشت. با اهدای یک سـاعت بزرگ از سـوی ملکه ویکتوریا به ناصرالدین شـاه، این سـاعت در قسـمتی از کاخ او (شمس‌العماره) نصب شد تا نخستین ساعت شهری در ایران به وسیله او افتتاح شود.

● **اولین قطار در ایران:** با آنکه سـال ۱۸۴۸ میلادی نخستین سال سلطنت ناصرالدین‌شـاه بـوده و او نقش چندانی در راه‌اندازی راه‌آهن بین رشـت و بندر انزلی نداشـته، اما واقعیت این اسـت که نخستین راه‌آهن موفق ایران در زمان او افتتاح شـده اسـت. البته او بعدتر برای پیشـرفت پروژه راه‌آهن در ایران تلاش‌های فراوانی انجام داد و اصطلاح ماشـین‌دودی به دوران او بازمی‌گردد که راه‌آهن میان تهران و شهر ری را دایر کرد و به واسطه بخاری که از دودکش قطار خارج می‌شد، مردم به آن ماشین‌دودی می‌گفتند.

● **نخسـتین مجسمه شـهری ایران:** در تاریخ ۲۵ مهر سال ۱۲۶۷ شمسی، نخسـتین مجسـمه شـهری ایـران در تهـران نصب شـد. این مجسـمه ناصرالدین‌شـاه را سوار بر اسب نشان می‌داد و بسیار شبیه به مجسمه‌هایی بود که او در سفرش به فرنگ در میدان‌ها و خیابان‌ها دیده بود. این مجسمه در لاله‌زار نصب شـد و سپس به باغشاه منتقل شـد و در نهایت سرنوشتی بهتر از ذوب‌شدن پیدا نکرد. اهمیت ساخت و نصب اولین مجسمه در ایران، زمانی بیشتر مشخص می‌شـود که در آن روزگار ساخت هرگونه مجسمه و تندیس خلاف آیین‌های دینی و مذهبی بود.

● **نخسـتین کارخانه صنعتی ایران:** یکـی از وزرای ناصرالدین‌شـاه، وزیر قورخانـه مبارکه بود که همان اسـلحه‌خانه یا زرادخانه اسـت. سـلطان صاحبقـران کارخانه‌ای به همین منظور با عنوان قورخانه تأسـیس کرد که نخستین کارخانه صنعتی ایران و نخستین کارخانه اسلحه‌سازی تاریخ ایران بود. هرچند که در زمان ناصرالدین‌شـاه کمتر در این کارخانه، اسلحه تولید می‌شد و بیشتر به تولید وسایل آتش‌بازی جشن‌ها اختصاص داشت.

● **نخستین عکاسخانه ایران:** تأسـیس نخستین عکاسخانه ایران به وسیله ناصرالدین‌شـاه رقم خورد که بخشی از کاخ گلستان را به این امر اختصاص داد.

او با آموزش آقا رضاخان اقبال‌السلطنه به وسیله یک عکاس فرانسوی، به او لقب عکاس‌باشی را داد و از آن پس عکاس‌باشی در اکثر مواقع همراه پادشـاه بود و تصاویر همایونی را ثبت می‌کرد. هرچند تأسـیس عکاسخانه حاصل یک علاقه شـخصی ناصرالدین‌شـاه بود؛ اما با توجه به آنکه امروز عکس و عکاسی تبدیل به یکی از بخش‌های جداناشدنی زندگی مدرن شده است، بسـیار جالب است که ایران پیش از بسـیاری دیگر از کشورها چنین امکاناتی را در کشور ایجاد کرده بود.

● **اولین عکس از پادشاه؛ اولین پادشاه عکاس:** ناصرالدین‌شاه اولین پادشاه تاریخ ایران است که تصویرش به صورت عکس ثبت شده است. برای دیدن تصاویر پادشـاه‌های قبل از او ناگزیریم که به نقاشـی‌هایی که از آنها کشیده شـده است، رجوع کنیم. همچنین او اولین پادشاهِ عکاس تاریخ ایران است. او یک عکاس فرانسـوی را برای آموزش اصول عکاسی به ایران فراخواند و همواره یک عکاس را همراه خود داشت.

ادامه در صفحه ۱۷

یادداشت

کلاس‌های خشتی و گلی کشور در آینه آمار

مهدی بهلولی*

● اینترنـت، خیلی کارها را آسـان کرده اسـت؛ از جمع‌آوری اطلاعات در زمینه‌هـای گوناگون بگیرید تا خرید وسـایل مورد نیاز زندگی روزمره و به‌ویژه به یاری ما شـهروندان آمده است تا دریابیم که سخنان فرادستان سیاسـی، تا چه اندازه حساب‌شده و دقیق گفته می‌شـود و تا چه انـدازه جنبه‌های تبلیغاتی و نمایشـی دارند. هنگامی که خبری منتشـر می‌شود، خیلـی آسـان می‌توان با جسـت‌وجوی چنـد واژه کلیدی آن، پیشینه خبر را تا چندسال گذشته پیگیری کـرد و به میزان سـازگاری آنها پی بـرد. بیایید یک نمونه را به کوتاهی بررسی کنیم. موضوع برمی‌گردد به آمار کلاس‌های خشـتی و گلی در کشور. یک سال پیش و در ۲۲ تیر ۹۵، مرتضی رئیسـی، رئیس وقت سـازمان نوسـازی، توسـعه و تجهیز مدرسـه‌های کشـور، از «حذف کامل مدرسـه‌های خشتی و گلی تـا پایان دولت یازدهم خبر داد». خب این می‌شـود خبر نخسـت و درون‌مایه آن هم روشـن اسـت که سـال گذشـته قرار بر این بوده که تا چنـدروز دیگر کـه دولت یازدهم تمام می‌شـود، دیگر هیچ کلاس خشـتی و گلی‌ای در کشـور وجود نداشـته باشـد. حدود سـه ماه بعد و در تاریخ ۱۸ مهر ۹۵ باز از زبان مرتضی رئیسـی می‌خوانیم: «بیشترین نگرانی ما در رابطه با کلاس‌های خشـتی و گلی اسـت که هزارو ۳۵۰ کلاس را شناسـایی کرده‌ایـم و ۵۰ درصد آنها در استان سیستان‌وبلوچسـتان قرار دارند». اما تنها چنـدروز بعد و در تاریـخ یکم آبان ۹۵ بـاز از زبان رئیسـی می‌خوانیم: «تا مهر امسـال، ۵۰ درصد کل مدارس خشتی و گلی در کشور (هزارو ۴۰۰ مدرسه) با جایگزینی کلاس‌های اسـتاندارد حذف شـده‌اند و درحال‌حاضـر تقریبـا نیمی از این مـدارس (۷۰۰ کلاس درس) باقی مانده است که مشکل این تعداد در نیمه دوم سـال جاری و سال آینده با کلاس‌های درس استاندارد مرتفع خواهد شد». به نظر می‌رسد در این خبر هزارو ۴۰۰ «کلاس درس» به اشتباه هزارو ۴۰۰ «مدرسه» منتشر شـده است، اما در این صورت به این معنا خواهد بود کـه در حدود ۱۰ روز، نصف مدرسه‌های خشتی و گلی کشـور برچیده و به‌جای آنها، کلاس‌های نوسـاز و ایمن سـاخته شده‌اند که بسـیار دور از ذهن می‌نماید. یک نکته دیگر در مورد خبرهای بالا به شـمار کلاس‌های خشتی و گلی در استان سیستان‌وبلوچستان برمی‌گردد که باید چیزی پیرامون ۶۷۵ (۵۰ درصد از هزارو ۳۵۰) کلاس باشد، اما در ۱۵ شهریور ۹۵ از زبان رئیسی آمار دیگری بیان می‌شـود: «در سال گذشـته درمجموع ۵۶۰ کلاس خشتی و گلی در اسـتان سیستان‌وبلوچستان وجود داشـت که با تأمین اعتبار، صد کلاس خشتی و گلی از چرخه تحصیل خارج شـدند». ناگفته پیداست که این دو آمار، بیش از ۲۰۰ کلاس با هم تفاوت دارند.

امـا نکته اصلی این یادداشـت کوتـاه، به خبر زیر برمی‌گـردد که به‌تازگی و در ۲۰ تیـر ۹۶ از زبان محمدتقی نظرپور، رئیس کنونی سـازمان نوسازی، توسـعه و تجهیز مدرسـه‌های کشـور، منتشر شد و نشـان می‌دهد که داسـتان مدرسـه‌های خشتی و گلی، همچنان ادامه دارد: «رئیس سازمان نوسازی، توسـعه و تجهیز مدارس کشـور گفت هزار کلاس خشتی و گلی و هزارو ۷۰۰ کلاس کانکسی در سطح کشـور وجود دارد. رئیس سـازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشـور یادآور شد که برنامه ما این است که در سال ۹۶ و ۹۷ کلاس‌های خشتی و گلی و کانکسی در کشور جمع شوند».

*عضو کانون صنفی معلمان استان تهران

جدول ۲۸۷۱ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- بشـارت‌دهنده- بی‌حرکتی- رنگارنگ ۲- نوعی ماهی اسـتخوانی خوراکی- ضمانت‌کننده- بالاپوش بلنـد مردان قدیم ۳- رفیق مشـهدی- پایتخت نروژ- اعلامیه سیاسـی کـه به طـور مخفیانه توزیع شـود ۴- تخم‌مـرغ انگلیسـی- محصول درخـت- اقامت گزیده- حرف دهن‌کجی ۵- پایکوبی و دسـت افشانی صوفیان- خدمتکار- رودخانه ارس ۶- ساختمان کروی شکل در هسته سلول- وقت مناسب انجام کاری- ماه نو ۷- معاشـرت- غیردائمی- یاری و کمک ۸ - بازیگر مرد فیلـم زیر سـقف دودی ۹- داروی بی‌هوشـی- مربوط به شـهر- دوره‌ای در آغاز خدمت سربازی ۱۰- آدم ماشینی- مرسـوم- زبان عربی ۱۱- لغت‌شناس- دریانورد- ویتنام قدیم ۱۲- اسـتفراغ- ستایشگر- گریه و زاری- پسوند شـباهت ۱۳- حرکتی در ژیمناستیک- سوره چهل و دوم قرآن- وقت، زمان ۱۴- کوه سیمرغ- گاو شـخم‌زن- بخش مراقبت‌های ویژه در بیمارستان ۱۵- وقار و سنگینی- ایمان قلبی- مشاهده‌کردن.

عمودی:

۱- معیار- ابزار مکانیک- جانوری شـبیه راسو که در زمسـتان رنگش سفید می‌شـود ۲- وزیر معروف انوشـیروان عـادل- از عوامـل مؤثر در فـروش کالا ۳- آش برنـج- تهـوع- گفتـم ز مهرورزان رسـم... بیاموز ۴- نشـانه مفعولی- با اعتبار- وحشی‌گری ۵- گل ته حوض- کم‌شدن- سـنگی زینتی ۶- درزی در لباس برای تنگ‌کـردن- پاکیزه- از پونه بدش می‌آید! ۷- کتابی معتبـر در حوزه عاشـوراپژوهی- عایدی- شکل ظاهری ۸- دسـت نماز- آشپز نیکوکار ضحاک- سخت و دشـوار ۹- رمق آخر- محکم و استوار- کارگر کشـتی ۱۰- تکلیف مدرسـه- تلاش و کوشش- مات و مبهـوت ۱۱- پیامبران- ژرف‌اندیشـی- برای اظهار تألم و شـکایت گوینـد ۱۲- شـماره- تغییر متنـاوب- کله ۱۳- پشت سر- تفسـیر قرآن اثر علامه طباطبایی- پدر بیژن در شـاهنامه ۱۴- بشر- تشخیص ۱۵- نهی‌کننده- دانش ذاتی- نوعی پارچه ضخیم پشمی.

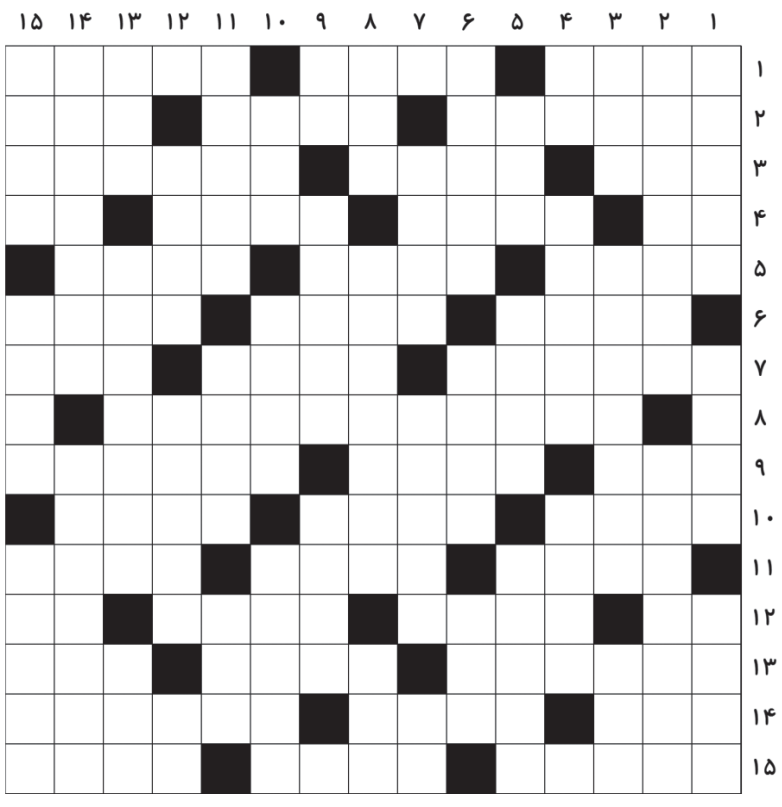

حل سودوکو سخت

۱	۴	۷	۶	۲	۵	۸	۹	۳
۸	۶	۵	۹	۱	۳	۷	۴	۲
۲	۳	۹	۷	۴	۸	۶	۱	۵
۵	۸	۲	۴	۹	۱	۳	۶	۷
۷	۱	۴	۲	۳	۶	۵	۸	۹
۳	۹	۶	۸	۵	۷	۱	۲	۴
۶	۲	۸	۵	۷	۴	۹	۳	۱
۴	۷	۱	۳	۸	۹	۲	۵	۶
۹	۵	۳	۱	۶	۲	۴	۷	۸

حل سودوکو ۱۸۶۶

۲	۵	۶	۷	۸	۴	۳	۹	۱
۹	۴	۱	۵	۳	۲	۸	۷	۶
۸	۳	۷	۹	۶	۱	۴	۵	۲
۴	۷	۳	۸	۹	۶	۱	۲	۵
۶	۲	۹	۱	۴	۵	۷	۸	۳
۵	۱	۸	۳	۲	۷	۶	۴	۹
۳	۸	۲	۴	۱	۹	۵	۶	۷
۱	۶	۵	۲	۷	۸	۹	۳	۴
۷	۹	۴	۶	۵	۳	۲	۱	۸

جدول ۲۸۷۰

سودوکو سخت ۱۸۶۷

			۴	۷		۲	۹	۸
	۷		۹		۲	۱		
			۱			۷	۵	۶
۳		۱			۷	۵		
	۶	۹						
	۴				۹		۱	
۲		۷					۶	
	۸				۳			
		۴	۸			۳		

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۸۶۷

۲		۹		۳			۴	۵
	۴	۷	۹		۸		۳	
۱			۲	۴	۵			۷
۶	۳		۷				۹	
	۵		۴	۸	۳		۶	
	۲				۶		۱	۴
۸	۹			۷		۶		
		۵	۸		۲	۴	۷	
		۶			۹		۲	۱

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.